**کتابی در آیین خوشنویسی**

**نویسنده : ذکاوتی قراگزلو، علی رضا**

تحفة‏المحبین، یعقوب بن حسن سراج شیرازی، به کوشش کرامت رعناحسینی و ایرج افشار، نشر میراث مکتوب، تهران، 1376.

درباره انواع هنر و فلسفه هنر، در آثار فارسی قدیم کتابهای معدودی موجود است که از آن تعداد معدود هم فقط بعضی به چاپ رسیده است. مطالعه عقلی و علمی در هنر ایرانی و اسلامی جز با انتشار کامل متون مربوط ممکن نخواهد بود. یکی از این کتابها که به طرز شایسته‏ای تحت اشراف مرحوم استاد محمّدتقی دانش‏پژوه به طبع رسیده است تحفة‏المحبین است در آیین خوشنویسی و لطایف معنوی آنها.

مؤلف کتاب، یعقوب بن حسن شیرازی از احفادِ عارف معروف روزبهان بقلی است، و خود دارای ذوق شعری و عرفانی فوق‏العاده بوده است بطوری که شکل حروف را به عنوان نمادهای امور معنوی در نظر می‏گیرد. کسانی که در هنرهای تزیینی و تجسمی تحقیق می‏کنند در این کتاب منبع بکری برای مطالعه خود خواهند یافت.

تألیف کتاب به سال 858 در هند صورت گرفته، و آن همزمان است با رشد هنر در حوزه‏های ایرانی و عثمانی و نیز اوج هنر در هرات. در همین دوره است که خط نستعلیق اختراع شده، و شاهکارهای معماری همچون مسجد گوهرشاد پدید می‏آید. شعر فارسی هم در این عصر وارد مکتب «وقوع» می‏شود و به سوی پیدایش سبک معروف به هندی سیر می‏نماید. سیر تصوف نیز سلطه بی‏چون و چرای مکتب محیی‏الدین را در اندیشه عارفانه نشان می‏دهد و درست در همین زمان است که جامی شروح خود را بر ابن عربی و ابن فارض و عراقی می‏نویسد و شمس مغربی اشعار وحدت وجودی خود را می‏سراید. پس عجیب نیست اگر یعقوب بن حسن سراج شیرازی در نقوشِ حروف معنویت ببیند و خط را اشرف صنایع بنامد.

در اینجا نکته‏ای هست و آن اینکه در فرمالیسم نیز معنی محفوظ است الا اینکه لازم نیست معنی حتما با الفاظ بیان شود. آهنگساز با آهنگ و به آهنگ می‏اندیشد و معمار و مجسمه‏ساز با اَشکال و به اَشکال می‏اندیشد و خوشنویس و تهذیبگر به ظرایف جادوگریهای قلم می‏اندیشد. البته در هنر خوشنویسی معانی الفاظی هم که به قلم می‏آید مورد توجه است مثلاً آنکه قرآنی می‏نویسد یا تهذیب می‏کند قصدش نوعی عبادت است و آنکه گلستان سعدی یا غزلیات حافظ را با خط و تهذیب آرایه و پیرایه می‏بندد مضامین آنها را همواره در نظر می‏آورد.

|  |  |
| --- | --- |
| هر آنکه حسن خط دوست در نظر دارد  | محقق است که او حاصل بَصَر دارد  |

مؤلف، حتی قلم را شاعرانه و عاشقانه می‏ستاید:

قلم اسکندری است که از برای آب حیات عزیمت ظلمات کرده (ص 71)

قلم شمعی است که روشنایی آن به هر جمع رسیده است (ص 71)

قلم صبحی است صادق در سیاهی (ص 72)

قلم عاشقی است راست قدم که بهر دستبوس یار پای از سر نشناخته با هر شکستگی که دارد کمر بسته (ص 72)

قلم غواصی است که از بحرِ هندوستانِ دوات به یک قطره صدفی برمی‏آرد که صد دُرّ مکنون از آن نظم توان کرد (ص 73)

قلم واسطه‏ای است میان عاشق و معشوق و طالب و مطلوب (ص 74)

قلم عمودی است از نور یا داودی است خواننده زبور، اگرچه برهنه است و عور مقربِ شاه است و دستور (ص 77)

به نظر مؤلف و دیگر اندیشمندانِ آن عصر منشاءِ خط، وحی است:

دلا به دیـده معنی نگاه کـن در خط

که بـرقِ وحـی درخشیـد و شـد مصـوَّر خط

از آسمـانِ هـدایت چـو تـافت نـور قِـدَم

ظهور یافته قرآن و گشته مظهر خط (ص 116)

اما عشقبازیهای مؤلف با حروف خیلی تماشا دارد. او آشنای کرشمه هر حرف و علامتی است:

الف: سروْ مثال ... در بساتین کتب و حدایق اوراق در غایت رعنایی و نهایت جلوه‏گری است (ص 148)

ب: شکوفه بهار بهاء و بهجت است (ص 150)

ت: تارک ترکیبْ را تاج آمده (ص 150)

ث: ثنای ذات ... از او رقم اثبات می‏پذیرد (ص 151)

ج: چهره‏گشای جمال دلبران ... و نمونه چینِ زلف پریشان (ص 151)

ح: سرحلقه حسن دلبران صورت اوست (ص 151)

خ: از مطلع خلد چون برآید چه نکوست (ص 152)

د: دیباچه دولت دیدار (ص 152)

ر: زلال راح معانی و اوصاف ریحانی (ص 152)

ز: زیبایی زهره زهرا بر وجه سما از زینت خلقت اوست (ص 154)

س: سعود سماوی ... از جبین او می‏نمایند (ص 154)

ش: مشهد شهود عین مقصودْ اوست (ص 156)

ص: تا صبح خط طالع شد و صیادِ دهر آهوصفتانِ حروف را به حرکت تصویر درآورده چنان غزالی بادامی‏چشم پسته دهان در مرغزار کتب به کمند هیچ صاحبنظر نیامده (ص 156)

ض: صافی اسرار ضمایر است (ص 157)

ط: ... طلعت رخشانش از مطلعِ طلب و افق طریق طالع است، صورتش نمودار طره طرب ... (ص 157)

ظ: کوکب ظهورش از مشرق ظرافت و ظفر تابان است (ص 158)

ع: ... شعاعِ اتساع به ساحت فهم مستفیدان می‏اندازد (ص 159)

غ: در ضمیرِ محاسبان بسیار دان هزار مرتبه به‏شمار می‏آید [غین در حساب جمل برابر هزار است]:

|  |  |
| --- | --- |
| حسنت یکی هزار شد از خال پیشِ چشم  | بر عینْ نقطه‏ای چو فزودی هزار شد  |

ف: فهرست فواید و دیباچه فضایل و فراید است و چون فؤاد در میان اهل وفا (ص 162)

ق: ... معنی «قوة‏القلوب من صحة‏الایمان» و صورتِ «قیمة المرء مایحسنه» روشن گرداند (ص 163)

ک: ... در کلام ملکِ علام به مرتبه اول از مراتبِ کُن جامع آمده و کوکب اقبالش از افق کمال طالع شده (ص 163)

ل: ... سوادِ آن نمونه خطوط مسلسل زلف مشکین است بر بیاض روی مهرویان (ص 164)

م: منشور پر نورِ مهر سپهر به مُهرِ نگین او توشیح یافته (ص 166)

ن: صدر سوره «ن و القلم و مایسطرون» (ص 167)

و: در موارد وجود اظهار جود نموده و از افق وحدت چهره طلوع گشوده (ص 169)

ه : ... در فضای وجه «هو» به های هویت پرواز می‏کند:

|  |  |
| --- | --- |
| هـر چـه خـواهی بگـوی هـا یـا هـو  | لیس مـا فی‏الوجود الا هـو (ص 170)  |

ی : ... ندای جانفزای ویبقی وجه ربک ... سروشِ هوش می‏سازد (ص 173)

فهارس متعدد که با دقت تهیه شده برای مراجعه و ارجاع بسیار کارساز است. خوانندگان را به ملاحظه اصل کتاب و بهره‏بردن از ظرایف آن توصیه می‏نماییم.